

## ویژگی های اخلاقی مردم ایران به روایت سیاحان قجری

۲ مهر ۱۳۹۳ ساعت ۱۱:۵۳

ز زمانی که انسان به یکجانشینی روی آورد، سفر و سیاحت نقشی عمده در زندگی وی را از آن خود نمود و بی شک یکی از مهمترین دستاوردهای اولیه وی از این سفرها بیان شفاهی خاطرات و دیده ها و شنیده های خود بود.

بی شک اوج سفرنامه نویسی از ایران با آغاز مراودات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران با دول غربی بوده است که در این میان عصر صفوی و بویژه دوران حکومت قاجارها بر ایران یکی از مهمترین این ادوار محسوب می گردد. اما در این میان اکثر قریب به اتفاق سفرنامه نویسانی که در ایران حضور داشته اند به ذکر ویژگی های اجتماعی مردم ایران اشاره های منحصر به فردی داشته اند چنانچه مهین اویس، زیرکی و شجاعت نسبت داده شده به مردم ایران از سوی سفرنامه نویسان را چنین بیان می دارد که نه تنها سفرنامه نویسان اروپایی بلکه صاحب نظران و پژوهشگران بر این عقیده اند که ایرانیان از هوشمندی و زیرکی خاصی برخوردارند. گروهی علت آن را آریایی بودن آن ها می دانند و گروه دیگر آب و هوا و شرایط خاص زندگی از جمله درگیری با انقلابات و وضعیت های پرپیچ و خم تاریخی. در میان آن ها کسانی چون «فووریه»، زیرکی ایرانیان را آمیخته با نوعی تزویر و نیرنگ می دانند. هر چه هست هیچ سفرنامه نویسی ایرانیان افرادی کم هوش و یا کمتر از خود از نظر عقلی ندانسته است. این برداشت در زمانی که از بدترین دوره تاریخی ما محسوب می شود مایه مباهات ایرانیان می باشد بخصوص که این فرضیه هنوز هم در کشورهای غربی به قوت خود باقی است و ایرانیان از نظر ضریب هوشی از کشورهای قابل توجه می دانند.

«بلوشر» زیرکی و هوشیاری ایرانیان را مهمترین عامل، در از بین بردن سلطه گوناگون بیگانگان بر آن ها می داند و همین امر را همراه با فرهنگ برتر ایرانی، علت برپا ماندن این ملت می پندارد که به وسیله آن پس از شکست، در طی عمر نسل ها توانسته است اندک، اندک، راهی پیدا کند و از اسارت خود را نجات دهد. «فریزر» نیز در موارد مختلف از هوش ایرانیان حرف می زند و تعجب می کند که چگونه ممکن است ملتی چنین باهوش بی تمدن باشند.

یکی دیگر از صفات پسندیده ایرانیان که حتی مغرضترین سفرنامه نویسان هم به آن اعتراف می کنند شجاعت ایرانیان است. این شجاعت نه تنها در رفتار و کردار آن ها به چشم می خورد بلکه در تحمل مشقات زندگی و نابسامانی ها هم نقش عمده ای را ایفا می کند. «جیمز بیلی فریزر» برای اثبات گفتار خویش مبنی بر دلیری ایرانیان کلماتی که آن ها به کار می برند را دلیل می آورد و آن را حاکی از شجاعت آن ها می داند. برای مثال، توضیح می دهد که ایرانیان به راه های بسیار سختی که از روی کوه ها می گذرد سینه کش می گویند در حالی که انگلیسی ها نام آن را سربالایی جهنمی گذاشته اند.

وی در قسمتی دیگر از سفرنامه خویش هنگامی که در میان سربازان ایرانی که برای جنگ بر علیه قوای روس اردو زده بودند به سر می برد از شجاعت اخلاقی سربازان ایرانی تعجب می کند و به شوق می آید تا جایی که می نویسد: «زنده باد ایرانی...»

البته این سخنان و ابراز شادی را در جایی به کار می برد که احساس می کند شجاعت ایرانیان می تواند روسیه را به سود انگلیسی ها به مخاطره بیندازد، چنانکه می گوید: «من می گویم مزد خوب بپردازید و خوب فرمان بدهید و دیگر شاه لازم نیست از روس ها بترسد.»

«فریزر» در جایی دیگر اقرار می کند که هرگز موجوداتی چون سربازان ایرانی شجاع، بی غم و امیدوار و خرسند و سخت کوش ندیده است. مردانی که هیچکس نمی تواند به اندازه آنان با فقر و رنج و سختی بسازد و با خوشرویی این مسایل را تحمل کند، آن هم در زمانی که غذایشان تنها دانه های غلات بود که خود درو می کردند ولی هرگز از این بابت شکایتی نداشتند. به نظر «فریزر» هیچ نیروی نظامی اروپایی نمی توانست توپ و تفنگ های سنگین را در آن زمین های سخت، مانند آن ها هدایت کند. آنگاه برای نشان دادن نیرو و شجاعت سربازان ایرانی توضیح می دهد که آن ها می توانسته اند توپ های دوازده پوندی را که سخت در باتلاق و مرداب فرو رفته بود بیرون کشند در حالی که هیچ اسبی قادر به آن کار نبود. کار آن ها در اثر زیرکی و شجاعت و پشتکارشان انجام می گرفت. گردنه هایی که آنان توپ های سنگین خود را از آن ها عبور می دادند، چشم یک افسر اروپایی توپخانه را خیره می کرد. ناگفته نماند که این سربازان در منطقه ای واقع در استان خراسان اردو زده و تحت فرمان عباس میرزا بوده اند.

برای «فریزر» بسیار جالب توجه بوده است که سربازان ایرانی پس از راه پیمایی و کارهای بسیار سخت و تهورآمیز، هنگامی که دور هم جمع می شده اند، طنین خنده آن ها همه جا می پیچیده، زیرا گفت و شنودشان دیگر درباره رنج ها و کارهای انجام شده نبوده است بلکه در خصوص کامیابی و گشودن فلان دژ و یا شایستگی و لیاقت فرماندهان بوده و یا با هم شوخی می کرده اند.

این سربازان ایرانی با آنکه بسیار گرسنه بوده اند اما هرگز اقدام به غارت صاحب منصبان خود نمی کرده اند و همین امر باعث شده تا «فریزر» آن را از سجایای اخلاقی آن ها به حساب آورد و بنویسد که «دلیری و شجاعت سربازان ایرانی، کمتر از دیگر صفات و سجایای ایشان نبود.»

«لیدی شیل» دیگر سیاح خارجی در ایران از بی باکی و دلاوری ایرانیان در اسب سواری سخن می گوید و می نویسد: من شنیده بودم که ایرانیان سوارکاران بسیار پر قدرتی هستند ولی اکنون می دیدم که آن ها به قدری بی پروا و جسور رفتار می کنند که اصولاً به اسب های زیر پایشان فرصت نمی دهند تا از احساس خودش بهره ای داشته باشد. تمام ملت ایران بطور غریزی سوارکار هستند و من بارها دیده ام که بعضی از پیشخدمت های ما که در عمرشان سوارکاری نکرده بودند در مرتبه اول بدون واهمه به این کار مبادرت می ورزند.

به هر حال حتی اگر «لیدی شیل» سوارکاری ایرانیان را امری غریزی بداند، باز از شجاعت ایرانیان حکایت دارد.

منبع: تقدس

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/28207/پای-ویژگی/مردم-اخلاقی-پای-ویژگی/28207>